

بسمه تعالی

رابطه‌ی اخلاق دینی و انسجام در حدیث امامان معصوم (علیهم‌السلام)

علیجان حسری

چکیده

در این مقاله با بررسی «رابطه‌ی اخلاق دینی و انسجام اسلامی» می‌خواهیم به این سؤال پاسخ دهیم: آلی اخلاق دینی مبتنی بر انسجام اسلامی است؟ درخاتمه، این فرضیه را اثبات می‌کنیم.

فصل اول

۱. کلین واژه‌ها

الف - انسجام اسلامی

انسجام اسلامی به معنای اتحاد، یکپارچگی، برادری، صمیمیت، دوستی، همزیستی، عدم نزاع و دوری از تفرقه همه‌ی مسلمانان است. فرق انسجام اسلامی با اتحاد اسلامی این است که اتحاد به تعامل‌های داخلی توجه می‌کند؛ درحالی‌که انسجام اسلامی به یکپارچگی مسلمانان در برابر قدرت‌های غی‌اسلامی نفی اشاره می‌کند.

ب - اخلاق دینی

در این مقاله، اخلاق دینی به معنای آداب زندگی، معاشرت و تعامل با دیگران است، از دین‌گاه امامان معصوم (علیهم‌السلام). اخلاق دینی به امرها و نهی‌های ائمه و پیشوایان دینی گفته می‌شود که کاربرد دوگانه‌ی دنیوی و اخروی دارند.

ج - امامان معصوم (علیهم‌السلام)

در این مقاله، با بطن دین‌گاه‌های تربیتی و حدیث‌های اجتماعی ائمه (علیهم‌السلام) تأثیر آن‌ها را در انسجام اسلامی بررسی می‌کنیم. حدیث‌هایی که از مرابع‌های اهل سنت نقل می‌شود برای تأیید دین‌گاه شرعیه است. اگر اهل شرعیه و اهل سنت درباره‌ی موضوعی توافق داشته باشند، زمینه‌ی اتحاد بیشتری در آن موضوع فراهم می‌شود که می‌تواند عاملی باشد برای انسجام اسلامی.

۲ - انسجام اسلامی از دین‌گاه مقام معظم رهبری

موضوع اتحاد مسلمانان سال‌هاست مطرح شده است و علما و سردمداران جهان اسلام بر آن تأکید

کرده‌اند؛ اما طراحی شکل جدید نظری «انسجام اسلامی» کار رهبر معظم انقلاب اسلامی بوده است. ایشان در بطن نوروزی، سال ۱۳۸۶ را سال «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» نامیدند. ایشان با توجه به مقتضیات امروز جهان اسلام و با در نظر گرفتن فتنه‌های استکبار جهانی، راه مقابله با توطئه‌های دشمنان را انسجام اسلامی در سطح بین‌الملل بیان کردند. رهبر انقلاب اسلامی معتقد است که علمای جهان اسلام بایستی منشور انسجام اسلامی را تنظیم و آن را به مسلمانان و بی‌وایان مذهب‌های اسلامی عرضه کنند. ایشان در این باره می‌فرمایند:

«منشوری تهی کنند تا فلان آدم کج‌فهم متعصب وابسته به این فلان بی‌آن فرقه‌ی اسلامی نتواند آزادانه جماعت کثیفی از مسلمانان را متهم به خروج از اسلام کند، تکفیفی کند».

رهبر مسلمانان جهان بحث‌های علمی و نظری‌پردازی‌های متخصصان اسلامی را لازمه‌ی پیشرفت علم و دانش می‌داند و به علما توصیه می‌کند:

«خواص بین خودشان بحث‌های علمی را نکنند؛ اما به مردم نکشانند. دل‌ها را نسبت به یکدیگر چرکین نکنند، دشمنی‌ها را زلزله نکنند»^۱.

۳- ضرورت انسجام اسلامی

یکی از ویژگی‌های دنیای امروز این است که فرهنگ‌ها در تعامل با هم قرار گرفته‌اند و عصر آزادی اطلاعات و دانش است. همه‌ی انسان‌ها به دانش و باورهای دیگران دسترسی دارند و مشتاق پذیرش باورهای صحیح هستند. به همین دلیل است که اسلام، در قرن اخیر، نفوذ حیرت‌آوری پیدا کرده است و جوانان جوئی معنویت را به خود جذب کرده است. در این مطن، دشمنان اسلام احساس خطر کرده‌اند و سعی دارند با استفاده از هر ابزاری مانع نفوذ و گسترش اسلام شوند. یکی از ابزار دشمنان اسلام به وجود آوردن اختلاف میان مسلمانان است.

الف - حفظ اسلام

حفظ اسلام یکی از ضرورت‌هایی است که بر هر امر دیگری تقدم دارد. به دلیل فتنه‌های مختلف و متعدد جهان‌خواران، امروزه به اصل دین اسلام حمله می‌شود؛ بنابراین بر همه‌ی مسلمانان واجب است تا با حربیه‌ی انسجام اسلامی توطئه‌ی دشمنان را خنثی کنند.

^۱ به نقل از سایت دفتر مقام معظم رهبری.

ب - سفارش اصول

کتاب، سنت و عقل از اصول اسلامی است. یکی از موردهایی که این اصول بر آن تأکیدی می‌کنند انسجام اسلامی است. هر محقق و فرد صاحب بصیرتی، با مراجعه به اصول، متوجه می‌شود که انسجام اسلامی وظیفه‌ی هر مسلمان است.

قرآن

قرآن کریم معتبرترین منبع اسلامی است و همه‌ی مذاهب‌های اسلامی درباره‌ی آن توافق دارند. مسلمانان باید به هر آنچه خداوند در قرآن کریم دستور داده است بدون شک تن ده‌ند. انسجام اسلامی و دوری از تفرقه و تشتت یکی از موضوع‌هایی است که قرآن کریم بر آن تأکید کرده است. بهای نمونه:

۱. «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»، همگی به ریسمان الهی چنگ بزنید و متفرق نشوید.^۱

۲. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»، مؤمنان با هم برادرند.^۲

۳. «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ»، از [احکام] دین آنچه را که به نوح درباره‌ی آن سفارش کرد برای شما تشریح کرد و آنچه را به تو وحی کردیم و آنچه را که درباره‌ی آن به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم که دین را برپا دارید و در آن تفرقه اندازی نکنید.^۳

عقل

یکی دیگر از منبع‌های دینی عقل است که بر انسجام اسلامی تأکیدی دارد. عقل می‌گوید اگر بین مسلمانان تفرقه باشد، دشمنان اسلام از این طریق نفوذ می‌کنند و دشمنان را از آنان می‌گیند؛ بنابراین برای حفظ دین بایستی به اشتراک‌های اسلامی روی آورد و هوشگرانه با توطئه‌های دشمنان مقابله کرد.

امامان معصوم (علیهم‌السلام)

پیشوایان دینی ما همیشه بر انسجام و اتحاد اسلامی تأکید کرده‌اند. از زمان پطمبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) تا دوران ائمه‌ی دوازده‌گانه‌ی شریعه، وحدت اسلامی همیشه برای حفظ کلان دین ضروری بوده است. سخنان بزرگان شریعه و سری‌گوئی این واقعه است که همه‌ی بزرگان دین بر اتحاد مسلمانان

^۱ سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۰۳

^۲ سوره‌ی حجرات، آیه‌ی ۱۰

^۳ سوره‌ی شوری، آیه‌ی ۱۳

تأکید کرده‌اند. برای اینکه از اهمیت انسجام اسلامی در دیدگاه امامان معصوم (علیهم‌السلام) مطلع شویم، به تعدادی از روایت‌ها اشاره می‌کنیم:

منبع‌های شریعه

امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید:

«صَدَقَةٌ يُحِبُّهَا اللَّهُ إِصْلَاحُ بَيْنِ النَّاسِ إِذَا تَفَاسَدُوا وَتَقْرِيبٌ إِذَا تَبَاعَدُوا»، یکی از صدقه‌هایی که خدا دوست دارد، اصلاح بین مردم در هنگام فساد و نزدیکی آن‌ها در هنگام جدایی است.^۱

منبع‌های سری

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرموده‌اند:

«لَا تَقَاطَعُوا وَ لَا تَدَابَرُوا»، ارتباطات خود را قطع نکنید و به همدیگر پشت ننمایید.^۲
«لَا يَحِلُّ لِلْمُسْلِمِ أَنْ يَهْجُرَ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلَاثٍ»، جایی نیست مسلمانی بیش از سه روز با برادر مسلمان خود جدایی داشته باشد.^۳
«مَنْ هَجَرَ الرَّجُلِ أَخَاهُ سَنَةً كَسَفَكَ دَمَهُ»، کسی که با برادر مسلمان خود یک سال قطع رابطه کند، مثل آن است که او را کشته است.^۴
«أَنَا زَعِيمٌ بَيْتٍ فِي أَعْلَى الْجَنَّةِ وَ بَيْتٍ فِي وَسْطِ الْجَنَّةِ وَ بَيْتٍ فِي رِيَاضِ الْجَنَّةِ لِمَنْ تَرَكَ الْمِرَاءَ وَ إِنِ كَانَ مُحِقًّا»، من خانه را در بهشت ضمانت می‌کنم برای کسی که از دعوا اجتناب کند ولو آن که حق با او باشد.^۵

۴ - سابقه‌ی فعالیت‌های انسجامی

به‌طور قطع، اولین بزرگان گذار انسجام اسلامی پلیمبر بزرگوار اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بوده است و پس از او ائمه‌ی طاهر (علیهم‌السلام)؛ اما در دوران معاصر می‌توان این افراد و گروه‌ها را در زمره‌ی پیشکسوتان انسجام

^۱ مشکاة الانوار، ص ۱۸۹.

^۲ الترغیب و الترهیب، ص ۴۵۴، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۳۰۶.

^۳ صحیح مسلم، حدیث ۶۵۳۴.

^۴ الترغیب الترهیب، ص ۴۵۷ و نهج الفصاحة، ص ۷۴۷.

^۵ همان، ص ۴۰۶ و التوحید، ص ۴۶۱.

اسلامی قرار داد:

- ۱- شیخ شلتوت و دانشگاه الازهر، با تأسیس مجمع تقریب بینه مذاهب اسلامی؛
- ۲- آئی‌الله بروجردی و حوزه‌ی علمیه‌ی قم، با کمک به تأسیس مجمع تقریب بینه مذاهب اسلامی؛
- ۳- روشنفکران، علما و افراد سرطری جهان اسلام که تلاش‌های زلجی برای متحد کردن مسلمانان کردند؛ مانند سرخ جمال‌الدین اسدآبادی، سرخ قطب، علامه اقبال لاهوری، استاد مرتضی مطهری و ...؛

- ۴- انقلاب اسلامی ایران و رهبر عالی‌قدر آن حضرت امام خمینی (رحمه‌الله).
- جمهوری اسلامی ایران تنها دولتی است که به‌طور رسمی و از همان ابتدای تأسیس اینجی انسجام امت مسلمان در مقابل دلتی کفر را مطرح کرد. در ادامه‌ی همین باور است که رهبر بزرگوار انقلاب سال ۱۳۸۶ را سال «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» نامید.

فصل دوم

انسجام اسلامی در عصر امامان معصوم (علیهم‌السلام)

الف - جرطن‌های سرطری عصر ائمه‌ی معصوم (علیهم‌السلام)

با مراجعه به تاریخ صدر اسلام، به جرطن‌ها و گروه‌هایی برمی‌خوریم که تفرقه‌ی بینه آن‌ها تهدتی بود برای اصل دین اسلام و لازم بود بینه این جرطن‌ها اتحاد و انسجام برقرار شود. برخی از این جرطن‌ها عبارتند از:

- ۱- وجود قبطی‌های متعدد در زمان پیغمبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) که بینه آن‌ها اختلاف بود؛
- ۲- اختلاف‌های قدیمی بینه دو قبطی مسلمان اوس و خزرج در زمان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)؛
- ۳- جناح‌بندی مهاجران و انصار در مدینه؛
- ۴- جناح‌بندی بینه بری‌امی و بری‌هاشم در مدینه و مکه؛
- ۵- وجود جرطن بری‌عباس و بری‌هاشم؛
- ۶- نزاع بر سر خلافت اسلامی و وصیت‌های بعد از پیغمبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم).

ب - تعیی‌های ائمه (علیهم‌السلام) از جرطن‌های سرطری مخالف

یکی از ویژگی‌های ائمه‌ی معصوم (علیهم‌السلام) این است که با حفظ ادب از مخالفان خود لاج می‌کردند.

آنان مخالف تفکر انحرافی معارضین خود بودند و با آن مبارزه می‌کردند؛ اما هیچ‌گاه در برخورد با آنها اخلاق را فراموش نمی‌کردند. این نوع تعامل ائمه (علیهم‌السلام) باید برای جناح‌ها و گروه‌های امروزی مسلمانان الگو باشد تا در موضع‌گیری‌های جناحی علیه مخالفین خود ادب و احترام را رعایت کنند.

ج - تفاوت‌های عصر ائمه (علیهم‌السلام) با دوران امروز

دوران ائمه (علیهم‌السلام) با عصر امروز تفاوت‌های اساسی دارد. همین تفاوت‌ها باعث شده است تا نوع سخن گفتن دو عصر نفی متفاوت باشد. عامل‌های مختلف و متعددی در ایجاد این تفاوت‌ها نقش دارد که به بعضی از این تفاوت‌ها اشاره می‌کنیم.

تفاوت در مقتضیات

مقتضیات عصر ائمه (علیهم‌السلام) به دلیلی‌های زی با دوران حاضر تفاوت دارد:

- الف - کم بودن جمعیت مسلمانان؛
- ب - وابستگی و محدودیت سرزمین‌های اسلامی؛
- ج - نزدیکی بودن مسلمانان به عصر پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)؛
- د - کمبود آگاهی و بی‌سواد بودن مردم؛
- ه - نبود امکان برای گسترش سریع اطلاعات و دانش؛
- و - نبود تهدیدهای جدی و انتحاری برای اسلام.

تفاوت رفتار و گفتار

در آن دوران، ائمه (علیهم‌السلام) با توجه به درک، اعتقادات، احساس‌ها و نظریات جامعه‌ی آن زمان امر و نهی می‌کردند. در زمینه‌ی انسجام اسلامی نفی بطن ائمه (علیهم‌السلام) با امروز متفاوت بود. به‌طور قطع، حکمت بسطی از رفتارها و گفتارهای ائمه (علیهم‌السلام) برای ما مجهول است؛ اما گاهی در متن‌های تاریخی به نکته‌هایی برمی‌خوریم که بطنگر توجه ائمه (علیهم‌السلام) به انسجام اسلامی و تعامل با مخالفین است. برای نمونه می‌توان به این موردها اشاره کرد:

- ۱ - تعامل داشتن امام علی (علیه‌السلام) با خلفای زمان خود؛
- ۲ - صلح کردن امام حسن (علیه‌السلام) با معاوی؛
- ۳ - امام هفتم (علیه‌السلام) در روز عید نوروز، به دستور منصور دوانقوی، روی تخت می‌نشست و به

مراجعان پاسخ می‌داد؛^۱

۴- قبول ولایت عهدی مأمون توسط امام رضا (علیه السلام)؛

۵- ازدواج کردن امام جواد (علیه السلام) با ام الفضل، دختر مأمون.

تفاوت در شدت ضرورت انسجام

انسجام و هوشگرایی اسلامی در این دوران، در مقایسه با زمان ائمه (علیهم السلام)، ضرورت بیشتری پیدا کرده است؛ زیرا همه‌ی دشمنان اسلام فعال شده‌اند تا اسلام را نابود کنند و این تهدیدها در دوران ائمه (علیهم السلام) چندان شدید نبود.

فصل سوم

برداشت‌های انسجامی از حدیث‌های اخلاقی امامان معصوم (علیهم السلام)

امامان معصوم (علیهم السلام)، در عمل و گفتار خویش، بآداب اجتماعی و اخلاق اسلامی تأکید داشتند. بعضی از موضوع‌های اخلاقی کاربرد انسجامی نمی‌دارد؛ برای مثال وقتی در حدیثی لعن مسلمان نهی می‌شود، یکی از مفهوم‌های آن این است که دو مسلمان نباید با هم بجنگند؛ هنگامی که لعن مسلمانان جای نیست، کشتن، غارت اموال، هتک حرمت و... آنان نیز به‌طور قطع جای نهد. به‌دی‌گرسخن، مقتضای حدیث‌های اخلاقی فراخوانی مسلم‌انان به همزیستی مسالمت‌آمیز و انسجام اسلامی است. در ادامه، به نمونه‌هایی از موضوع‌های اخلاقی اشاره می‌کنیم که کاربرد دوگانه دارند و لزوم انسجام اسلامی از اولویت‌های آنهاست.

۱- آداب معاشرت

«آداب معاشرت» یکی از اخلاق‌های دینی است که عالمان بسیاری به آن پرداخته‌اند. امامان معصوم (علیهم السلام) حدیث‌های متعددی درباره‌ی تعامل و رفتار مسلمان با هم‌نوعان خود دارند. این حدیث‌ها در کتابی با نام «کتاب العشره» جمع شده است. حدیث‌ها به مسلمانان توصیه می‌کند که با پیاداران دینی خود همزیستی مسالمت‌آمیز و معاشرت مطلوب داشته باشند. در ادامه، به حدیث‌هایی در این زمینه اشاره می‌کنیم:

^۱ مفاتیح الجنان، اعمال عید نوروز.

منبع های شرعه

در منبع های شرعه حدیث های متعددی وجود دارد که حسن معاشرت با دیگران را سفارش می کند؛ مانند:

ابوعبدالله (علیه السلام) فرموده است:

«عَلَيْكُمْ بِالصَّلَاةِ فِي الْمَسَاجِدِ وَحُسْنِ الْجَوَارِ لِلنَّاسِ وَإِقَامَةِ الشَّهَادَةِ وَحُضُورِ الْجَنَائِزِ»، در مسجدهای مسلم انان نماز بخوانی، با مخالفتن حسن همجواری داشته باشی، در شهادت و تشییع جنازه های آنان حاضر شوی.^۱

ابوعبدالله (علیه السلام) فرموده است:

«كَيْفَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَصْنَعَ فِيمَا بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا وَفِيمَا بَيْنَنَا وَبَيْنَ خُلَطَائِنَا مِنَ النَّاسِ قَالَ فَقَالَ تُؤَدُّونَ الْأَمَانَةَ إِلَيْهِمْ وَتُقِيمُونَ الشَّهَادَةَ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ وَتَعُودُونَ مَرْضَاهُمْ وَتَشْهَدُونَ جَنَائِزَهُمْ»، از امام (علیه السلام) در مورد ارتباط با مخالفتی که از اقوام ما است یعنی که با آنان برخورد داریم پرسیدم. امام (علیه السلام) فرمود: امانت های آن ها را برگردانی، در شهادت ها، عیادت و تشییع جنازه هایشان حاضر شوی.^۲

ابوعبدالله (علیه السلام) می فرماید:

«أَمَّا يَسْتَحِبُّ الرَّجُلُ مِنْكُمْ أَنْ يَعْرِفَ جَارَهُ حَقَّهُ وَلَا يَعْرِفَ حَقَّ جَارِهِ؟»، آلی خجالت نمی کشد کسی که مخالفتن حق همسایگی او را ادا می کنی؛ اما او در این زمین کوتاهی می کند؟^۳

ایشان فرموده است:

«تَنْظُرُونَ إِلَى أَيْمَانِكُمُ الَّذِينَ تَقْتَدُونَ بِهِمْ فَتَصْنَعُونَ مَا يَصْنَعُونَ فَوَاللَّهِ إِنَّهُمْ لَيَعُودُونَ مَرْضَاهُمْ وَ يَشْهَدُونَ جَنَائِزَهُمْ وَ يُقِيمُونَ الشَّهَادَةَ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ وَ يُؤَدُّونَ الْأَمَانَةَ إِلَيْهِمْ»، از امام (علیه السلام) در مورد روابط با مخالفتن پرسیدم؛ امام فرمود: در این زمین به امامان خود اقتدا کنی که آنان از مخالفتن عیادت می کنند، در تشییع جنازه هایشان حاضر می شوند، شهادت می دهند و رد امانت کنند.^۴

^۱ کافی، ج ۲، ص ۶۳۵.

^۲ همان.

^۳ همان.

^۴ همان.

الطبع اللّٰه (علیه السلام) فرموده است:

«صَلُّوا عَشَائِرَكُمْ وَ اشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ عُوذُوا مَرْضَاهُمْ وَ اَدُّوا حُقُوقَهُمْ فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرَعَ فِي دِينِهِ وَ صَدَقَ الْحَدِيثَ وَ اَدَّى الْأَمَانَةَ وَ حَسُنَ خُلُقُهُ مَعَ النَّاسِ قِيلَ هَذَا جَعْفَرِيٌّ فَيَسُرُّنِي ذَلِكَ وَ يَدْخُلُ عَلَيَّ مِنْهُ السُّرُورُ وَ قِيلَ هَذَا أَدَبٌ جَعْفَرِيٌّ وَ إِذَا كَانَ عَلَيَّ غَيْرَ ذَلِكَ دَخَلَ عَلَيَّ بِلَاؤُهُ وَ عَارُهُ وَ قِيلَ هَذَا أَدَبٌ جَعْفَرِيٌّ»، با نزدیکی‌کان خود، ولو آن‌که از مخالفت باشد، ارتباط داشته باشی؛ در تشریح جنازه، عظمت، ادای امانت، راستگویی، ورع و حسن خلق پیشقدم باشی که اگر این‌طور باشی می‌گویند او «جعفری» است و من خوشحال می‌شوم و اگر غی از این باشد باز هم می‌گویند این تربیت جعفری است و من ناراحت می‌شوم.^۱

الطبع اللّٰه (علیه السلام) فرموده است:

«يا شَيْعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ، اَعْلَمُوا إِنَّهُ لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَمْلِكْ نَفْسَهُ عِنْدَ غَضَبِهِ، وَمَنْ لَمْ يُحْسِنِ صُحْبَةَ مَنْ صَحِبَهُ، وَمُخَالَفَةَ مَنْ خَالَفَهُ، وَمُرَافَقَةَ مَنْ رَافَقَهُ، وَمُجَاوِرَةَ مَنْ جَاوَرَهُ، وَمُمَالَحَةَ مَنْ مَالَحَهُ»، از ما نیست کسی که غضب خود را کنترل نکند و اهل همسایگی‌داری، اخلاق، مصاحبت و سازش نباشد.^۲ امام صادق (علیه السلام) پس از سفارش‌های لازم برای شیعیان، درباره‌ی نحوه‌ی تعامل با مخالفان، به نقل از پدر بزرگوارشان، می‌فرماید:

«أَنَّ الرَّجُلَ مِنْ شَيْعَتِنَا كَانَ يَكُونُ فِي الْحَيِّ فَتَكُونُ وَدَائِعُهُمْ عِنْدَهُ وَ وصَايَاهُمْ إِلَيْهِ فَكَذَلِكَ أَنْتُمْ فَكُونُوا»، شیعیان واقعی ما مرجع مخالفان بودند در امانت‌ها و وصیت‌هایشان؛ امانت‌ها و وصیت‌ها را به آن می‌سپردند، شما هم این‌طور باشی.^۳

منبع‌های سری

آن‌چه برای آداب اجتماعی در منبع‌های شرعی ذکر شد، در منبع‌های سری نفی وجود دارد. در حدیث‌های متعددی که اهل سنت روایت کرده‌اند، به حسن همجواری، تعامل با دی‌گران و سازش با مردم تأکیدی شده است.

^۱ مستدرک، ج ۸، ص ۳۱۲.

^۲ همان، ص ۶۳۶.

^۳ مستدرک، ج ۸، ص ۳۱۱.

۲- مدارا با دیگران

در منبع های گوناگون شیعه و سنی به مدارا و سازش با دیگران اشاره شده است. کارایی این صفت پسندیده در مورد انسجام اسلامی این است که اگر مسلمانی روحیهی تعامل و سازش با دیگران را داشته باشد، هیچ گاه با مسلمانی دیگر جنگ و درگیری نخواهد داشت؛ زیرا کسی که بنا دارد با مردم مدارا کند، به طور قطع تفرقه راه نمی اندازد و دست خود را به خون کسی آغشته نمی کند. در ادامه، به حدیث هایی در این زمینه اشاره می کنیم:

منبع های شیعه

رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) فرموده است:

«أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِدَاءِ الْفَرَائِضِ»، خداوند مرا به سازش با مردم امر کرده است؛

همان طور که به ادای واجب ها امر کرده است.^۱

«دَارِ خَلْقِي»، با بندگان من مدارا کن.^۲

«مُدَارَاةُ النَّاسِ نِصْفُ الْإِيمَانِ»، سازش با مردم نصف ایمان است.^۳

امام علی (علیه السلام) فرموده اند:

«رَأْسَ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مُدَارَاةُ النَّاسِ»،^۴

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرموده است:

«إِيَّاكُمْ وَمُعَادَاةَ الرَّجَالِ»، به دنبال دشمنی با مردم نباشید.^۵

«سَلَامَةُ الدِّينِ وَالدُّنْيَا فِي مُدَارَاةِ النَّاسِ»، سلامتی دینی و دنیای سازش با مردم است.^۶

«سَلَامَةُ الْعَيْشِ فِي الْمُدَارَاةِ»، سلامتی زندگی در تعامل با مردم است.^۷

^۱ وسائل، ج ۱۲، ص ۲۰۰.

^۲ همان.

^۳ همان.

^۴ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۰۰.

^۵ همان.. غرر الحکم، ص ۴۴۵.

^۶ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۴۵.

^۷ همان.

منبع های سری

در منبع های اهل سنت نیز روایت های زیادی برای مدارا با دیگران آمده است که به یک نمونه ی آن اشاره می کنیم. رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرموده است:

«مُدَارَاةُ النَّاسِ صِدْقَةٌ»، سازش با مردم ثواب صدقه دارد.^۱

۳- اصلاح بنی الناس

اگر بنی مسلمانان کدورت و ناراحتی پیدا شد، مسلمانان دیگر وظیفه دارند آن ها را آشتی دهند و از ادامه ی جدایی آن دو جلوگیری کنند. کسی که می خواهد ثواب اصلاح بنی الناس را به دست آورد، باید نخست از ایجاد اختلاف بنی مسلمانان و جنگیدن با آن ها اجتناب کند. در ادامه، به حدیث هایی در این زمینه اشاره می کنیم.

منبع های شریعه

در منبع های شریعه حدیث های زیادی وجود دارد که به صلح بین مردم اشاره می کند و بهترین قدم را قدمی می داند که در این راه برداشته شود.

امام علی (علیه السلام) ضمن سفارش به اصلاح ذات البین و فضیلت آن فرموده است:

«إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عَامَّةِ الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ»، ثواب اصلاح بین مردم از یک سال نماز و روزه بالاتر است.^۲

امام صادق (علیه السلام) فرموده است:

«صِدْقَةٌ يُجِبُّهَا اللَّهُ إِصْلَاحُ بَيْنِ النَّاسِ»، یکی از صدقه هایی که خدا دوست دارد، اصلاح بنی مردم است.^۳

منبع های سری

رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) فرموده است:

^۱ مجمع الزوائد، ص ۳۸ و روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۲، ص ۳۷۹.

^۲ مشکاة الانوار، ص ۱۹۱، بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۱۹۹...

^۳ مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۷۷ و بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۴۳.

«كُلَّ يَوْمٍ تَطْلُعُ فِيهِ الشَّمْسُ: تَعْدِلُ بَيْنَ الْاِثْنَيْنِ صَدَقَةً»، هر روزی که با اصلاح بنی مردم آغاز شود ثواب صدقه دارد.^۱

«أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَنِي»، بهترین صدقه‌ها اصلاح ذات البنی است.^۲
«مَاعَمَلُ ابْنِ آدَمَ شَرِيحًا أَفْضَلُ مِنَ الصَّلَاةِ وَصَلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ»، هیچ عملی بهتر از نماز و اصلاح ذات البنی نیست.^۳

۴ - حرمت لعن مسلمان

یکی از آداب اسلامی این است که مسلمانان نباید با زبان خود به دیگران بی‌احترامی و آن‌ها را لعن کنند. در حدیث‌های متعددی مسلمانان از لعن دیگران نهی شده‌اند. یکی از اموری که امروزه در جامعه‌های اسلامی مشاهده می‌شود لعن و نفرین همدیگر است. این رویی با حدیث‌ها و آداب دینی سازش ندارد و سبب گسستن انسجام اسلامی می‌شود. در ادامه، به حدیث‌هایی در این زمینه اشاره می‌کنیم:

منبع‌های شریعه

ابی‌عبدالله (علیه‌السلام) فرموده است:

«إِنَّ اللَّعْنَةَ إِذَا خَرَجَتْ مِنْ صَاحِبِهَا تَرَدَّدَتْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الَّذِي يُلْعَنُ فَإِنْ وَجَدَتْ مَسَاغًا وَإِلَّا رَجَعَتْ إِلَى صَاحِبِهَا وَكَانَ أَحَقَّ»، اگر کسی را لعنت کردی، در صورتی که آن لعن وجه شرعی نداشته باشد، دوباره به صاحب لعن برمی‌گردد.^۴

رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرموده است:

«مَنْ لَعَنَ شَيْئًا لَيْسَ لَهُ بِأَهْلٍ رَجَعَتْ اللَّعْنَةُ عَلَيْهِ»، کسی که شخصی را لعنت می‌کند، اگر وجه شرعی نداشته باشد، آن لعن به خودش برمی‌گردد.^۵

منبع‌های سری

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرموده است:

^۱ مجمع الزوائد، ص ۹۷.

^۲ همان، ص ۴۷۹ و نهج الفصاحة، ص ۲۳۱.

^۳ همان، ص ۴۸۸ و همان، ص ۷۰۱.

^۴ وسائل الشریعة، ج ۱۲، ص ۳۰۱.

^۵ همان، ج ۹، ص ۱۳۶، بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۱..

«لَا يَكُونُ اللَّعَانُونَ شُرَفَاءَ وَلَا شُرَهَ دَاءِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ»، کسانی که ورد زبانشان لعنت است ، در روز قیامت جزو شهیدان و شفیعان نخواهد بود.^۱

«لَعْنُ الْمُؤْمِنِ كَقَتْلِهِ»، لعن کردن مؤمن مثل کشتن اوست.^۲

۵ - حرمت سب مسلمان

همه‌ی کسانی که دوست دارند آداب دینی را رعایت کنند، باید از سب دیگر مسلمانان اجتناب کنند. کسی که از سب مسلمان اجتناب کند، به‌طور طبیعی با هیچ مسلمان‌ی نخواهد جنگید و همیشه درصدد انسجام مسلمانان و زندگی مسالمت‌آمیز خواهد بود. در ادامه، به حدیث‌هایی در این زمینه اشاره می‌کنیم.

منبع‌های شریفه

علی (علیه‌السلام) فرموده است:

«إِنِّي أَكْرَهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَّابِينَ»، من دوست ندارم که شما اهل سب باشید.^۳

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرموده است:

«مَنْ سَبَّي فَاقْتُلُوهُ وَمَنْ سَبَّ أَصْحَابِي فَقَدْ كَفَرَ»، کسی که مرا سب کند، او را بکشید. کسی که

اصحاب مرا سب کند، کافر است.^۴

«مَنْ سَبَّ أَصْحَابِي فَاجْلِدُوهُ»، کسی که اصحاب مرا سب کند، او را تازانگه بزنید.^۵

امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید که بجای سب مخالفان این دعاها را بگویند:

«اللَّهُمَّ احْقِنْ دِمَائَنَا وَدِمَائِهِمْ وَأَصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِنَا وَبَيْنِهِمْ وَاهْدِهِمْ مِنْ ضَلَالَتِهِمْ حَتَّى يَعْرِفَ الْحَقَّ مِنْ

جَهْلِهِ، وَيَرْعُوِي عَنِ الْغَيِّ وَالْعُدْوَانِ مَنْ لَهَجَ بِهِ»، خدایا خون ما و آن‌ها را حفظ کن، خدایا بین ما

را اصلاح کن، خدایا گمراهان ما را از ضلالت باز دار تا جاهلان حق را بشناسند و آنان که اصرار

بر دشمنی دارند باز گردند.^۶

^۱ جامع ترمذی، ص ۴۶۹ و دلائل الصدق لنهج الحق، ج ۴، ص ۱۴۸.

^۲ ریاض الصالحین، ص ۱۴۰ و مجمع البحرین، ج ۶، ص ۳۰۹.

^۳ نهج البلاغه، ص ۳۲۳، خطبه‌ی ۲۰۶.

^۴ جامع الاخبار، ص ۱۶۰.

^۵ همان.

^۶ نهج البلاغه، خ ۲۰۶، ۱۹۷ و غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۲۳.

بعلبیر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) در پاسخ به شخصی که از آن او نصیحت خواسته بود فرمودند:
«لَا تَسُبُّوا النَّاسَ فَتَكْسِبُوا الْعِدَاوَةَ لَهُمْ»، مردم را سب نکرید که دشمنی‌ها را زطای می‌کند.^۱
ایشان همچنین فرموده است:

«أَوْصِيكَ أَنْ لَا تُشْرِكَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا تَعْصِ وَالِدَيْكَ وَلَا تَسُبَّ النَّاسَ الْخَبَرَ»، سفارش می‌کنم تو را
که به خدا شرک نورزی، والدین خود را نافرمانی نکرید، و مردم را سب ننمایید.^۲

منبع‌های سری

رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) فرموده است:

«سب کردن مسلمانان مانند آماده‌شدن برای کشتن اوست».^۳

«سِيَابُ الْمُؤْمِنِ فُسُوقٌ وَقِتَالُهُ كُفْرٌ»، سب مؤمن فسق است و قتل او کفر.^۴

۶- حرمت اخذ سلاح بر ضد مسلمان

اگر کسی اسلحه در دست بگیرد تا با برادر مسلمان خود بجنگد، فعل حرامی مرتکب شده است. اگر
جامعه‌ی اسلامی به آداب دینی مقید باشد و مسلح‌شدن درمقابل همدیگر را حرام بداند، به‌طورقطع در این
جامعه روح انس‌جام و همزیستی مسالمت‌آمیزی حاکم می‌شود. در ادامه، به حدیث‌هایی دراین‌زمینه اشاره
می‌کنیم:

منبع‌های شریعه

رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) فرموده است:

«إِذَا التَّقَى الْمُسْلِمَانِ بِسَيْفِهِمَا عَلَى غَيْرِ سُنَّةٍ فَالْقَاتِلُ وَالْمَقْتُولُ فِي الرَّدِّ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا الْقَاتِلُ فَمَا
بِالْمَقْتُولِ قَالَ لِأَنَّهُ أَرَادَ قِتْلًا»، اگر دو مسلمان با اسلحه رودر روی هم قرار بگیرند، هر دو اهل
جهنم هستند؛ زیرا یکی از آنها باین کوتاه می‌آمد و از این صحنه خارج می‌شد؛ اما هر دو مقابل

^۱ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۹۷.

^۲ مستدرک، ج ۱۵، ص ۱۸۷.

^۳ الترغیب والترهیب، ص ۴۶۶.

^۴ صحیح بخاری، حدیث ۴۴۶۰، سنن ابن ماجه، حدیث ۳۹۳۹ و وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۷۸.

هم ایستادند و جنگینند.^۱

رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) ریختن خون دیگران را به شدت نفی می کنند و در فلسفه ی تحریم آن می فرماید:
ریختن خون دیگران تبعات جبران ناپذیری را به دنبال دارد.^۲

منبع های سری

رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرموده است:

«لَا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يُرَوِّعَ مُسْلِمًا»، جانی نهدت مسلمانی مسلمان دیگری را بترساند.^۳

«لَا تُرَوِّعُوا الْمُسْلِمَ فَإِنَّ رَوْعَهُ الْمُسْلِمِ ظُلْمٌ عَظِيمٌ»، مسلمانی را نترساند که ترساندن مسلمان ظلم عظیم است.^۴

«مَنْ أَخَافَ مُؤْمِنًا بِغَيْرِ حَقٍّ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يُؤْمِنَهُ مِنْ أَفْرَاقِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ»، کسی که مؤمری را بترساند سزاوار است که خداوند او را از ترس های روز قیامت این نگرداند.^۵

«مَنْ أَشَارَ إِلَى أَخِيهِ بِحَدِيدَةٍ، فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ تَلْعَنُهُ»، کسی که با اسلحه به برادر مسلمان خود اشاره کند، ملائکه او را لعنت می کنند.^۶

«إِذَا التَقَى الْمُسْلِمَانِ بِسَيْفِهِمَا فَالْقَاتِلُ وَالْمَقْتُولُ فِي النَّارِ»، هر گاه دو مسلمان با اسلحه مقابل هم قرار بگیرند، قاتل و مقتول هر دو اهل جهنمند.^۷

۷- حرمت کافر خواندن مسلمان

هیچ مسلمانی حق ندارد مسلمان دیگری را کافر خطاب کند. کسی نمی تواند مسلمانی را کافر بنامد که زبان او به شهادتی متبرک شده است و خداوند و آداب دینی را قبول دارد. اتهام کفر برای مسلمان جرم بسطو سنگینی است و پیشوایان دینی چنین کاری را به شدت منع کرده اند.

^۱ التهذیب، ج ۶، ص ۱۷۴، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۴۸.

^۲ مستدرک، ج ۱۱، ص ۱۲۰.

^۳ الترغیب و الترهیب، ج ۳، ص ۴۸۳. نهج الفصاحه، ص ۶۸۰.

^۴ همان.

^۵ همان و نهج الفصاحه، ص ۷۶۲.

^۶ صحیح مسلم، حدیث ۶۶۶۶.

^۷ همان و الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف / ج ۲ / ۳۷۵ / ص: ۳۷۳.

رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) فرموده است:

«إِذَا قَالَ الرَّجُلُ لِلْخَيْرِ عَلَى كَافِرٍ فَهُوَ كَقَتْلِهِ»^۱، اگر کسی برادر مسلمان خود را کافر خطاب کند، مثل این است که او را به قتل برساند.

۸ - تَوَيُّ

توی دورویی و نفاق نصیحت؛ بلکه بهترین گزینیه است برای اجتناب از تفرقه میان مسلمانان. طبق این نظریه، برای آنکه اتحاد مسلمانان بهم نخورد، می‌توان ظاهر اعمال عبادی را تغییی داد. کاربرد توی در انسجام اسلامی این است که مسلمانان وظیفه دارند از اعمالی پرهیزند که رابطه‌ی آنها را خدشه‌دار می‌کند و اگر مسلمانی به مذهب دیگری اعتقاد دارد، پلای حفظ انسجام اسلامی، توی می‌کند؛ زیرا حفظ انسجام اسلامی بر هر امری تقدم دارد. به حدیث‌هایی در این زمینه توجه کنید:

منبع‌های شریعه

در وسائل الشریعه - جلد ۱۶، صفحه ۲۵۴ - بابی وجود دارد باینام «وَجُوبِ كَفِّ اللِّسَانِ عَنِ الْمُخَالَفِينَ وَ عَنْ أَحِبِّهِمْ مَعَ التَّقِيَّةِ»؛ در این باب حدیث‌های بسط‌زیدی روایت شده است؛ از جمله:
ابی‌عبدالله (علیه‌السلام) می‌فرماید:

«مَا أَيْسَرَ مَا رَضِيَ النَّاسُ بِهٍ مِنْكُمْ كُفُّوا أَلْسِنَتَكُمْ عَنْهُمْ»، چه آسان است آنچه که رضایت مخالفان شما را جلب می‌کند: زبان خود را از بدگویی مخالفان باز دارید و از توی بهره‌بریزی.
ابی‌عبدالله (علیه‌السلام) می‌فرماید:

«مُعَانَدَةُ الْأَعْدَاءِ فِي دَوْلَاتِهِمْ وَمُحَاطَّتُهُمْ فِي غَيْرِ تَقِيَّةٍ تَرَكُوا أَمْرَ اللَّهِ»، جنگیدن با مخالفان مسلمان و تلاش برای سقوط دولت آنها و عدم استفاده از توی، بمعنای نادیده گرفتن اوامر خداست.^۲
ابو عبدالله (علیه‌السلام) می‌فرماید:

«إِنَّ تِسْعَةَ أَغْشَارِ الدِّينِ فِي التَّقِيَّةِ وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ...»، نه دهم دین در توی است، کسی که اهل توی نصیحت دینی ندارد.^۳

^۱ الترغیب و الترهیب، ص ۴۶۵.

^۲ کافی، ج ۲، ص ۱۶۹.

^۳ من لایحضر، ج ۲، ص ۳۰۵، کافی، ج ۲، ص ۲۱۷.

امام صادق (علیه السلام) فرموده است:

«مَنْ لَمْ تَكُنْ لَهُ تَوْبَةٌ وَضَعَهُ اللَّهُ»، کسی که توبتی ندارد خداوند او را خوار می گرداند.^۱

ابی عبدالله (علیه السلام) می فرماید:

«اتَّقُوا عَلَى دِينِكُمْ فَأَحْبَبُوهُ بِالتَّقِيَّةِ فَإِنَّهُ لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ»، دینی خود را با توبتی حفظ کنید. کسی

که توبتی ندارد ایمان ندارد.^۲

ابی عبدالله (علیه السلام) می فرماید:

«أَنْمَا جُعِلَتِ التَّوْبَةُ لِتُحَقَّنَ بِهَا الدَّمُ»، توبتی برای آن قرار داده شده است تا خون مسلمان نریزد.^۳

منبع های سری

اگرچه حدیث درباره ی توبتی، در منبع های اهل سنت، به گستردگی منبع های تشیع نیست؛ اما با توجه به آنکه در صدر اسلام نفی بحث توبتی مطرح بوده و آیهای در این زمینه نازل شده است (آی ۲۸ غافر و ۱۰۶ نحل) که به یقین اهل سنت هم توبتی را قبول دارند. توبتی علاوه بر امری شرعی، امری عقاب نفی است؛ زیرا عقل می گویی هنگام تعارض دو مصلحت، هر کدام مهم تر است را مقدم بدار. اگر مصلحت حفظ اسلام و وحدت مسلمانان با مصلحت عبادتی خاص مقایسه شود، به یقین حفظ اسلام مهم تر است.

۹ - حسن خلق

یکی از آداب دینی «حسن خلق» است. مفهوم این اخلاق دینی این است که با مسلمانی دیگری برخورد مناسب داشته باشی و با اخلاق خوب و گشاده رویی با دیگران رفتار کنیم. لازمی حسن خلق و دوستی با دیگران اجتناب از نزاع و احترام متقابل است. به حادثیهای در این زمینه توجه کنید:

منبع های شریعه

ابی عبدالله (علیه السلام) می فرماید:

«خَالِطُوا النَّاسَ، وَ آتُوهُمْ وَ أَعِينُوهُمْ، وَ لَا تُجَانِبُوهُمْ، وَ قُولُوا لَهُمْ كَمَا قَالَ اللَّهُ : وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا».

با مسلمانان معاشرت داشته باشی، به همدیگر کمک کنی، گوشه گنی نباشی، با آنها به نیکویی و

^۱ همان.

^۲ کافی، ج ۲، ص ۲۱۷.

^۳ همان.

اخلاق خوش صحبت کریم.^۱

منبع های سری

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرموده است:

«مَا مِنْ شَيْءٍ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ»، هیچ چیزی در ترازوی می‌ان سنگین تر از حسن خلق نیست.^۲

«الْبِرُّ حُسْنُ الْخُلُقِ»، کسی که اخلاق حسنه دارد از نیکوکاران است.^۳

۱۰ - حرمت و منزلت مسلمان

براساس نظر اسلام، هر شخص مسلمان نزد خداوند منزلت و قداست دارد؛ بنابراین بایستی به مقام معنوی او توجه کرد و نباید به او بی حرمتی و توهین کرد.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرموده است:

«كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ دَمُهُ وَ مَالُهُ وَ عِرْضُهُ»، خون، مال و عرض مسلمان بر مسلمان دیگر حرام است.^۴

«الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ، لَا يَظْلِمُهُ وَ لَا يَخْذُلُهُ وَ لَا يَخْتَفِيهِ»، مسلمان برادر مسلمان است، به او ظلم نمی‌کند و او را خوار و حقو نمی‌گرداند.^۵

«مَنْ صَرَخَ الصَّرِيحَ فَلَهُ فِي ذِمَّةِ اللَّهِ فَهَنْ قَلْبُهُ طَلَبُ اللَّهِ حَتَّى يَكْبَهُ فِي النَّارِ عَلَى وَجْهِهِ»، کسی که نماز صبحی را بجا آورد، مسلمان بوده و در ذمه‌ی خداوند است؛ اگر کسی او را بکشد خداوند انتقام او را مطالبه می‌کند و قاتل را در آتش مجازات می‌سازد.^۶

۱۱ - شاد کردن مسلمان

اگر کسی مسلمانانی را خوشحال کند، خداوند برای او پاداش خبی عنایت می‌کند. همان اندازه که

^۱ مستدرک، ج ۸، ص ۳۱۸ و الأصول الستة عشر، ص ۲۴۵.

^۲ سنن ابی داوود، حدیث ۴۷۹۹، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۴۸.

^۳ ریاض الصالحین، ص ۲۱۳، نهج الفصاحه، ص ۳۷۵.

^۴ معجم ابن ماجه، حدیث ۳۹۳۳، منیه المرید، ص ۳۲۶.

^۵ الترغیب والترهیب، ج ۳، ص ۶۱۰.

^۶ سنن ابن ماجه، حدیث ۳۹۴۶.

خوشحال کردن مسلمان ثواب دارد، ناراحت کردن او نفع عذاب دارد. به حدیث‌هایی در این زمینه توجه کنید:

منبع‌های شرعی

اباعبداللّه (عزای السلام) می‌فرماید:

«أَيُّمَا مُسْلِمٍ لَقِيَ مُسْلِمًا فَسَرَّهُ سَرَّهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ»، هر مسلمانی که مسلمان دیگری را خوشحال کند،

خدا او را خوشحال می‌گرداند.^۱

«مِمَّا يُحِبُّ اللَّهُ مِنَ الْأَعْمَالِ إِدْخَالَ السُّرُورِ عَلَى الْمُسْلِمِ»، یکی از چنی‌هایی که خداوند دوست دارد

ادخال سرور بر مسلمانان است.^۲

منبع‌های سری

رسول خدا (صلی‌الله‌عزای‌وآله‌وسلم) فرموده است:

«مَنْ لَقِيَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ بِمَا يُحِبُّ لَيْسَرَهُ بِهِ سَرَّهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»، کسی که برادر مسلمان خود را مسرور

می‌گرداند، خداوند در قیامت او را مسرور می‌گرداند.^۳

«إِنَّ مِنْ مَوْجِبَاتِ الْمَخْزَةِ إِدْخَالَ السُّرُورِ عَلَى أَخِيكَ الْمُؤْمِنَ»، یکی از موجبات آمرزش خداوند

ادخال سرور بر مسلمان است.^۴

نتیجه

از مجموع بحث‌هایی که در این مقاله عرضه شد چنین نتیجه می‌گنیم که کتاب، سنت و عقل بر انسجام اسلامی تأکیدی دارند. علاوه بر حدیث‌های صریحی که در این زمینه وجود دارد و مسلمانان را به وحدت و همدلی فرا می‌خواند، در آداب ائمه (علیهم‌السلام) نیز می‌توان لزوم انسجام اسلامی را دید. مدارا، مصالحه، احترام متقابل، تقوی، حرمت سب، لعن و... تلاشی برای برقراری انسجام اسلامی و صمیمیت دینی است که عقل نیز بدان حکم می‌کند.

^۱ وسائل، ج ۱۶، ص ۳۵۰.

^۲ مستدرک، ج ۱۲، ص ۳۹۶.

^۳ الترغیب و الترهیب، ج ۳، ص ۳۹۴.

^۴ همان، ص ۳۹۴.

منابع و مأخذ

- ۱ - ابن ماجه قزوینی، السنن.
- ۲ - ابی داوود، السنن.
- ۳ - بخاری، الصحیح.
- ۴ - ترمذی، الجامع.
- ۵ - تمیمی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، دفتر تبایعات اسلام، قم، ۱۳۶۶.
- ۶ - شعری، تاج الدین، جامع الاخبار، انتشارات رضی، قم، ۱۳۶۳.
- ۷ - طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الانوار، کتابخانه‌ی حیدری نجف، ۱۳۸۵ قمری.
- ۸ - طوسی، التهذیب، دارالکتب الاسلامی، تهران، ج ۱۰، ۱۳۶۵.
- ۹ - عامی، وسائل الشیعه، مکتبه الاسلامی، تهران، ج ۷، ۱۳۷۹.
- ۱۰ - عبدالعظیم مندری، الترغیب و الترهیب، دارالفکر، بیوت، ۱۴۰۸ قمری.
- ۱۱ - علی بن ابی‌بکر هخمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالفکر، بیوت، ۱۴۱۴ قمری.
- ۱۲ - مسلم، الصحیح.
- ۱۳ - نوری، می‌زا حسینی، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، قم، ۱۴۰۷ قمری.
- ۱۴ - نووی، ریاض الصالحین، دارالرائد العربی، بیوت، بی‌تا.
- ۱۵ - الکتب الستة، دارالسلام، عربستان، ۱۴۲۱ قمری.

منبع: دفتر مطالعات و پژوهشهای مرکز رسیدگی به امور مساجد